****

**آخرین سخنان و خطبه های حضرت زهرا(س)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gifا**[**نوار وحى در خطبه فدکیه زهرا(س)**](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Vahi_dar_khotbe.aspx)

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[محورهاى هفتگانه خطبه فدکیه فاطمه زهراء(س)](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Mehvar_7Gane.aspx)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[اسناد و مدارك خطبه فدکیه‏](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Asnad.aspx)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[متن خطبه فدكيه حضرت زهرا(س) در مسجد](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Fadak.aspx)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif**[**متن موضوعی خطبه فدکیه**](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Mozoee/index.aspx)

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif**[**احتجاج حضرت زهرا(س) با ابوبكر پس از ايراد خطبه**](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Ehtejaj_Abobakr/index.aspx)

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif**[**وقايع پس از ايراد خطبه حضرت زهرا(س)**](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Khotbe_fadak/Pas_Az_Khotbe/index.aspx)

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[خطبه حضرت زهرا(س) براى كسانى كه حق شوهرش را غصب كردند](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Ghasebin.aspx)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[خطبه حضرت زهرا(س) در جمع زنان مهاجر و انصار](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Zanan.aspx)**

**http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Images/star_main.gif[سخنان روشنگر حضرت زهرا(س) در ابعاد مختلف](http://www.aviny.com/occasion/ahlebeit/fatemeh/shahadat/87/Shahadat/Sokhan_Khotbe/Sokhan.aspx)**

خطبه فدکیه چیست؟

خطبه فدكیه از جمله ‌خطبه‌های ‌مشهوری‌ است ‌كه ‌عامه ‌و خاصه ‌با سندهای ‌معتبر از صدیقه كبری‌ (س) روایت‌ شده‌ است.

خطبه فدکیه سخنرانی فاطمه زهرا(س) در مسجد النبی پس از رحلت رسول خدا(ص)، جهت بازپس گرفتن فدک است. ابوبکر چند روز پس از رسیدن به خلافت‌، اعلام کرد فدک، مِلک شخصی نیست و جزو بیت المال است و نباید در تملک دختر پیامبر بماند؛ به همین جهت عاملانِ فاطمه زهرا(س) را از فدک بیرون کرد. پس از آنکه دادخواهی فاطمه زهرا(س) نزد ابوبکر بی‌نتیجه ماند، دختر پیامبر به مسجد پیامبر رفت و این خطبه را جهت روشن‌کردن ماجرا و بازپس‌گرفتن فدک خواند. فاطمه(س) در این خطبه، بر مالکیتش بر فدک تصریح کرد و حق خود را در پیش روی عموم مردم، از ابوبکر طلب کرد. متن این خطبه در منابع شیعه و اهل سنت آمده است. به این خطبه در برخی از منابع عربی و فارسی خطبة اللُمَّة یا خطبه لُمَّه نیز گفته می‌شود.

فدک کجاست؟

فدک در زمان حیات پیامبر (ص) دهکده‌ای آباد بود که در نزدیکی خیبر قرار داشت. پس از تصرف قلعه‌های خیبر مردم فدک با پیامبر (ص) صلح کردند و نیمی از دهکده را به او بخشیدند تا بتوانند در زمین‌های خود باقی بمانند. به دلیل آن‌که سایر مسلمانان در فتح این دهکده شرکت نداشتند فدک به حکم قرآن مختص پیامبر (ص) شد و پیامبر (ص) هم درآمد این زمین‌ها را به مستمندان بنی‌هاشم می‌داد و سپس آن را به دستور قرآن (طبق نظر بعضی مفسران بر اساس آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْ‌بَیٰ حَقَّهُ» «و حق خویشاوند را به او بده») به دخترش حضرت فاطمه (س) بخشید.

متن و ترجمه خطبه فاطمه زهرا(س)

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه (س) بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود به سوی مسجد روانه شد در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد. در حالیکه راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد به سختی به جنبش درآمد. سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همهمه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس خدای را برآنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منّتهای بیشماری که ارزانی داشت، نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجّه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمّن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشمها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بیآنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، واظهار قدرت خود،و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

و گواهی میدهم که پدرم محمّد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدّرات.

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعیاش را امضا و مقدّراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امّتها را دید که در آئینه‌ای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بتهای تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی اللَّه علیه و آله تاریکیهای آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده،و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.

تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیدهاش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی براو باد.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم كرده و فرمود:

شما‌ ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلّغان او بسوی امّت‌هایید، زمامدار حق در میان شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده است:

آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجّته‌ای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوهگر میباشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن میتوان به حجّته‌ای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهی‌های جلوه‌گرش و برهان‌های کافی‌اش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصت‌های بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبّر،

و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی،

و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالتورزی را برای التیام قلبها،

و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامتمان را برای رهایی از تفرقه،

و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در به دست آوردن پاداش قرار داد.

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صله ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.

پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک میترسند. آنگاه فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز میگویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است . پس اگر او را بشناسید میدانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطان‌ها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید، همچون آتشزنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده میکردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتی‌ها کشیدید.

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمیکوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمیکرد، باز نمیگشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحتگر، تلاشگر، و کوششکننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامتکننده نمیهراسید.

و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعّم بودید، و در انتظار بسر میبردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌های تان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌ای د، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام میدهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر چیزی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بیرغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتشگیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله ور سازید،و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان میخورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه میرفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برّان و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم.

و شما اکنون گمان میبرید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند،‌ای پسر ابیقحافه،آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر میاندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش میکند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقّی است برای پرهیزگاران».

و شما گمان میبرید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا میگوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمیبرند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعدهگاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمیرساند، و برای هرخبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

آنگاه رو به سوی انصار كرده و فرمود:

ای گروه نقباء، و‌ای بازوان ملت،‌ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهلانگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن میکوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد.

آیا می‌گوئید محمد صلی اللَّه علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوه‌ها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیمتر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌های تان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را میخوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید:

محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد بخدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌ای د، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمیدهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمیرسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهلبیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمّل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرکآمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گرداندید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید.

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آگاه باشید میبینم که به تن آسایی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بیوفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمّلم نیست، و جوشش سینهام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاولدار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است.

آنچه میکنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی میدانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را میکنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رئوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادتمندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن میشمرند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو‌ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادقت مانعی ایجاد نخواهد گردید.

و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و خدا را گواه میگیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی میماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفّار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبدّانه عمل ننمودم،

و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امّت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندانت، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حُکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

پاک و منزه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا رویگردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دام‌هائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی میاندازد، و می‌فرماید:- زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که- «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد.

و خداوند در سهمیه‌هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ابوبكر گفت:

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل میباشد و راست میگوید، سخن حقّت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبّر بوده و نه مستبدّ به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشتهام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

آنگاه حضرت فاطمه رو به مردم كرده و فرمود:

ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده می‌گیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، به خدا سوگند تحمّل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر كرد و فرمود:

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد و قوم تو متفرّق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما.

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد.

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

زهرای مرضیه پس از بازگشت به خانه از حضرت علی(ع) گلایه می‌کند. این بخش سند متصل به معصوم نداشته و مُرسَل است، عالمان دینی نیز مضمون آن را نپذیرفته یا توجیه کرده‌اند.

آنگاه حضرت فاطمه علیها سلام به خانه بازگشت و حضرت علی(ع) در انتظار او به سر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به امیرالمؤمنین گفت:

آنگاه حضرت فاطمه علیها سلام به خانه بازگشت و حضرت علی(ع) در انتظار او به سر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به امیرالمؤمنین گفت:

ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شكم مادر پردهنشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاهپرهای شاهین را شكسته، و حال آنكه پرهای كوچك هم در پرواز به تو خیانت خواهد كرد.

این پسر ابیقحافه است كه هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسرم را از من گرفته است، با كمال وضوح با من دشمنی كرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و كینه توز دیدم، تا آنكه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی كردند، نه مدافعی دارم و نه كسی كه مانع از كردار آنان گردد، در حالی كه خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.

از روزى كه تندى شمشيرت را از بين بردى، صورت خود را ذليل نمودى. روزى گرگ ها را مى‌دريدى و امروز خاك را فرش خود قرار داده‌اى ]و گوشه اى نشسته‌اى[، جلوى هيچ گوينده‌اى را نمى‌گيرى! و هيچ كار مؤثرى، در جهت دفع فتنه موجود، انجام نداده‌اى و من هم هيچ اختيارى ندارم. اى كاش پيش از اين حالت سكون و گوشه نشينى، من مُرده بودم و اى كاش پيش از اين كه به اين حالت ذلّتِ [ظاهرى] بيفتم، مُرده بودم. خداوند، از قِبَل من، عذر خواه من باشد از شما، از جهت اين كه شما در مواردى ستم‌هايى را از من دفع نمودى و در مواردى از من حمايت كردى

و واى بر من در هر صبحدمى، واى بر من در هر شبانگاهى و تكيه گاهِ [ما] مُرد و بازو[ى ما] سست شد، شكايتم را به پدرم و عرض حالم را به پروردگارم ارائه مى‌كنم و عذاب و انتقام او از ديگران شديدتر خواهد بود.

حضرت علی در پاسخ فرمود:

ویل بر تو نیست، بلكه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌كنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانكه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و كفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر كن.

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا مرا كافی است، آنگاه ساكت شد.

**امور فرهنگیدانشکده فنی وحرفه ای دختران الزهرا (س)شیراز**